



دوشنبه ۱۴ مهر ۱۴۰۴
 وطن امروز | شماره ۴۴۲۹

فرهنگ وهنر

به عبارت دیگران

قرآن اهالی غزه فقط روی طاقچه نیست!

ریحان می‌گوید فلسطینی‌ها خیلی اهل رفت‌وآمد و معاشرت‌هستند.عصر پنجشنبه و جمعه، مخصوص میهمانی و دید و بازدید است. مردم غزه تقریچی به اسم مسافرت داخلی ندارند. خروج از نوار غزه هم کار راحتی نیست. نوار غزه وسعت زیادی ندارد. از سر تا ته آن را که بخوای ماشین‌سواری کنی، یک ساعت هم نمی‌شود. جای خاصی هم برای تفریح به جز ساحل ندارد. همین رفت‌وآمدهای خانوادگی مهم‌ترین دلخوشی مردم در غزه است. می‌گوید وقتی در غزه زندگی می‌کردیم، مادام خانه مادر بزرگم بودیم. هفته‌ای چندبار هم خاله، دایی‌ها، عمه و عموها را می‌دیدیم. این چند سالی که از غزه آمدیم بیرون، فقط با تماس تصویری با هم در ارتباطیم. مراسم‌های عروسی و خواستگاری و عید فطر و قربان را هم مجازی شرکت می‌کنیم. از طوبی پرسیدم: «چطور دلتنگی رو تحمل می‌کنید؟ ندیدن مادر و پدر تون رو؟ سخت نیست؟» خندید و یکی از آن دیالوگ‌های غیرقابل درک مخصوص به خودش را گفت: «خیلی که دلتنگ باشم، قرآن می‌خونم». من این حرف را از طوبی باور می‌کنم. قرآن طوبی خیلی بعدردخوئتر از قرآن نقره‌کوب نوی طاقچه خانه ماست.

موضیه اعتمادی/ ماهی‌ها به دریا برمی‌گردند
 انتشارات شهید کاظمی
 صفحه ۱۱۲

باید دیوانه‌وار بکشیم و بکشیم!

آرنون سافرا[وقتی داشت نیاز به عقب‌نشینی یکجانبه از غزه را توضیح می‌داد، گفت: «۵۸ میلیون نفر در غزه تحت محاصره زندگی می‌کنند.این مردم با کمک اسلام بنیادگرای دیوانه‌وار، حیوانات بزرگ‌تری از آنچه امروز هستند خواهند بود.اگر می‌خواهیم زنده بمانیم، باید بکشیم و بکشیم و هر روز، از صبح تا شب». این زمانی بود که آوا[یکی از مشاوران نزدیک شارون آنخست‌وزیر اسبق اسرائیل] بود.

ماکس بلومنثال/ فصلنامه علوم اجتماعی ترجمان
 مینا قاجارگر – شماره ۲، صفحه ۳۰۷

اشک‌ها و لبخندهای شب خداحافظی

اولین بار که درست و حسابی دیمش بعد از عقدمان بود. با هم رفیقیم خیابان‌های اطراف دامپزشکی. وسط اسفند ۲ تا بمبوه تگری خوردیم پر از یخ خیلی چسبید برگشتم خانه مامان جون. صدام درمی‌آمد. مامان جوش چایی آورد و از اتاق رفت بیرون. ناصر داشت کتش را درمی‌آورد که گفت فردا باید برود جبهه. توی دلم گفتم اول راه و جدایی؟ گریه‌ام گرفت. ناصر دست‌هام را محکم گرفت توی دست‌هاس. نباید گریه‌ام بند می‌آمد. می‌خواستم با اشک‌هام که می‌چکید روی انگشت‌های کشیده‌اش دلش را بلرزانم. اما بر عکس شد. دست‌هام را گذاشت روی صورتش و آن‌قدر قربان صدقه‌ام رفت و زبان ریخت که من کوتاه ادمم. خندیدم. با صورت خیس اشک حتی قهقهه هم زدم. چشم‌هام را ریز کردم، گفتم: «باشه برو ولی چوئی اکرم زود برگردی آ».

رخساره ثانی/ نیمه پنهان ماه ۱۸ ناصر کاملی به روایت همسر شهید
 انتشارات روایت فتح – صفحه ۱۲

سرکشی یزدی و قطب‌زاده

در چند مورد رفتارهای یزدی، نشان از تمایل او به مخفی نگه داشتن خیلی چیزها از نگاه رهبری انقلاب داشت. مرحوم جنت‌الاسلام اسماعیل فردوسی‌پور نقل می‌کند زمانی که انورسادات در «کمپ دویید» توافق سازش با صهیونیست‌ها را امضا کرد و امام خمینی(ره) دستور قطع رابطه با مصر را دادند، ابراهیم یزدی و صادق قطب‌زاده از بخش خبر این دستور امام در صابوسیما خودداری کردند. یزدی در واکنش به اعلام نگرانی امام از این امر گفته بود: «بیر نمی‌شود».

مرتضی منارهرندی/ راه‌های دهه ۶۰ دفتر پژوهش‌های کیهان – صفحه ۵۵

ویژگی‌های قرون جدیدا

پیشرفت در این دنیا پیشرفت به جانب «درد» خواهد بود... عادت به «دنیشه» را که یادگار روزگار آن پیش از این دوران است از بین می‌برند. پیوند میان فرزند و والدین، میان مرد و مرد، میان مرد و زن و میان زن و زن را برپیدانند. هیچ‌کس دیگر جرأت اعتماد کردن به زن و فرزند و دوست را ندارد. در آینده‌ای نه‌چندان دور «نانیت» و مهر و عواطف و دوستی نخواهد بود. بچه‌ها هنگام تولد از مادران‌شان گرفته می‌شوند. غریزه جنسی نابود خواهد شد. رادوولد مانند تجدید کارت جیرمبندی، تشریفاتی سالانه خواهد شد. میل شهوت را متخصصان و کارشناسان اعصاب این دنیا از بین می‌برند وفاداری جز وفاداری به حزب در میان نخواهد بود. عشق، جز عشق به «برادر بزرگ» یا «ناظر کبیر» وجود نخواهد داشت. هنر و ادب و علم هم دیگر در میان نخواهد بود. تمایزی میان زشتی و زیبایی برجانی‌ماند کنجکوی نخواهد بود. تمام لذت‌های قربان‌ترا و رقابت‌ترا از میان برداشته خواهد شد. اما سرمستی از باده قدرت مرتب افزایش می‌یابد و ظرفیت‌فری می‌شود. تصویر آینده جهان در این دنیا عبارت است از پوئیتی که جلونده چهره انسان را لگدمال می‌کند. قدرت جواید و ابیدی و قهارتی یعنی این...

این همه یعنی هدم انسانیت و نابودی اندیشه و زوال فرهنگ بر اثر نفرت و قلدری و اطاعت محض از دیکتاتور جبار و در عین حال دوست داشتن او.

نیل پستمَن/ زندگی در عیش، مردن در خوشی
 صادق طباطبایی – صفحات ۴۰ و ۴۱

حضرت امام صادق(ع):

هلکامی که به نماز ایستادی بدان که در پیشگاه خداوند هستی و اگر او را نمی‌بینی، او تو را می‌بیند. پس به نمازت توجه کن.

روزنامه سیاسی ، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: محمد آخوندی
 مدیرعامل: زهرا شکیبایی
 سردبیر: سید عابدین نورالدینی

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
 روابط عمومی: ۶۶۴۱۲۷۲ | تلفن: ۶۶۴۱۲۷۲ | نمابر: ۶۶۴۱۲۳۷
 پيام‌رسان: @vatanemrooz | پست الکترونیکی: info@vatanemrooz.ir
 چاپ: موسسه جام‌جم بزر تر نا | توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

نگاهی به فیلم «دزدی گرفتار» اثر دارن آرونوفسکی

بی‌طرفی در جنگ بی‌معناست



مهرن زارعیان

فیلم «Caught Stealing» که می‌توان نام آن را به «دزدی گرفتار» ترجمه کرد، یک کمدی سیاه جنایی مهیج آمریکایی محصول سال ۲۰۲۵ است که توسط دارن آرونوفسکی و بر اساس فیلمنامه‌ای از چارلی هیوستون، تهیه و کارگردانی شده است. چارلی هیوستون این فیلمنامه را بر اساس رمانی از خود که سال ۲۰۰۴ انتشار یافت نوشته است. در این فیلم آستین باتلر نقش یک بازیکن سابق بیسبال را بازی می‌کند که اکنون متصدی بار است و ناخواسته حین مراقبت از حیوان خانگی همسایه‌اش، با یک گروه خلافکار نیویورک درگیر می‌شود. رچینا کینگ، زویی کروایتز، مت اسمیت، لیو شرایبر، وینسنت دن آفریو، بنیتو مارتینز اوکاسیو، گریفین دان و کارول کین در نقش‌های فرعی ظاهر می‌شوند. تا ۱۲ اکتبر ۲۰۲۵، این فیلم ۱۹ میلیون دلار در ایالات متحده و ۱۲ میلیون دلار در سطح بین‌المللی فروش داشته است که در مجموع فروش گیشه آن را به ۲۲ میلیون دلار در سراسر جهان می‌رساند. در وب‌سایت راتن تومیتوز، ۸۴ درصد از ۲۲۱ نقدی که برای این فیلم جمع‌آوری شده مثبت است و متاکریتیک هم بر اساس نظر ۴۷ منتقد، امتیاز ۶۵ درصد را به این فیلم اختصاص داده است. مخاطبانی که توسط سینماسکور مورد نظرسنجی قرار گرفتند هم به فیلم امتیاز متوسط «B» را در مقیاس A+ تا F+ دادند. آرونوفسکی یک فیلمساز یهودی سکولار است. او البته به لحاظ سیاسی پر حرف نیست اما از خلال آثار و اقدامات محدودش هم می‌شود وابستگی به یک پایگاه فکری خاص را گاهی حس کرد؛ او لااقل چنانکه تاکنون نشان داده، نه هوادار فلسطین بوده است و نه همدلی خاصی نسبت به آرمان سایر ملت‌های استقلال‌طلب نشان داده. با این حال فیلم «دزدی گرفتار» که طعنه‌های معناداری به وضعیت امروز جهان و به پایان رسیدن نظم بین‌الملل و اخلاقیات روبه انحطاط سیاسی می‌زند، نشان می‌دهد چنین وضعی حتی افرادی مثل دارن آرونوفسکی را هم به وحشت انداخته است. او که خود از فیلمسازان مکتب نیویورک است، محله بدنام «لوفر ایست ساید (Lower East Side)» در نیویورک را نمادی از تمام این آشفتگی‌ها می‌گیرد که شاید طعنه‌ای ضمنی به شهری که سازمان ملل در آن قرار دارد هم باشد. در ادامه ضمن مرور بر سبک جهان‌بینی دارن آرونوفسکی، به نقد و بررسی فیلم «دزدی گرفتار» و ارتباط‌ها و تداعی‌های آن در نسبت با دنیای امروز پرداخته شده است.

طعنه‌های پیچیده در پس ظاهری ساده

دارن آرونوفسکی را با فیلم‌های مهمی مثل «مرثیه‌ای برای یک رویا» و «قوی سیاه» می‌شناسیم. او یک یهودی سکولار است که در دانشگاه هاروارد، انسان‌شناسی اجتماعی و فیلمسازی خوانده است. چیزی که سینمای او را بسیار منحصربه‌فرد می‌کند، پشتوانه فکری و استعاره‌های عمیقی است که در دل داستان‌های بعضاً ساده و خوش‌بینان او می‌نشیند و تجربه‌ای در نوسان میان سهولت پیگیری داستان با دشواری فهم منطق پشت آن ایجاد می‌کند. آرونوفسکی جهان‌بینی و چارچوب فکری مشخصی در عمده آثارش دارد به طوری که در فیلم نخستش «پی» سعی می‌کند در دل الهیات یهودی، بین خداشناسی و ریاضیات پیوند برقرار کند و یک فیلم تجربه‌گرایانه پیچیده را به وجود بیاورد. در «مرثیه‌ای برای یک رویا»، آشکارا به روح جامعه‌شناسی سیاسی آمریکا یعنی مفهوم رویای آمریکایی طعنه می‌زند و نشان می‌دهد پشت آن ظاهر پرزرق و برق و زیر پوست مگالوپلیس‌های آمریکایی با آن آسمانخراش‌ها و عظمت تکنولوژیک، منجاری از اعتیاد و انحطاط اخلاقی و بی‌پناهی آدم‌ها خوابیده است. در «سرچشمه» در دل یک داستان استعاری چند ایده از تاشک یک پزشک برای یافتن درمان سرطان برای همسرش، مفهوم جلودانگی و عمر نامیرا و

لایزال را واکاوی می‌کند و به گویاترین شکل ممکن نشان می‌دهد که مرگ از طریق پیوستن جسم مادی به رستاخیز طبیعت، خودمکثیسم اصلی جلودانگی و عین نامیرایی است. در «کشتی‌گیر» و «قوی سیاه» سراغ روایتی شخصیت‌محور از زندگی حرفه‌ای به ترتیب یک ورزشکار کشتی کج و یک رقصنده باله می‌رود و در «هتنگ» ماجرای غواشگر انتقام یک پدر از جسم خود به دلیل عذاب وجدان از سرنوشت خانواده از هم پاشیده‌اش را نشان می‌دهد. «وح» و «مادر» دینی‌ترین فیلم‌های آرونوفسکی هستند که در هر ۲ فیلم در بستر یک قصه مبتنی بر تورات، انتقادات تندی نسبت به اقدامات انسان‌ها در تخریب محیط‌زیست بیان می‌شود به طوری که او نشان می‌دهد آنچه تحت عنوان عذاب الهی در قصص مذهبی مثل داستان نوح (ع) آمده در اصل نتیجه محتوم اقدامات خصمانه بشر علیه طبیعت است و هشدار می‌دهد که عذاب الهی در آینده نیز با تغییرات اقلیمی و تجاوز به مرزهای سیاره‌ای، نازل خواهد شد. بنابراین بااین پیش‌فرض که حتی یک فیلم تماماًقصه‌گو و سرگرم‌کننده از آرونوفسکی می‌تواند زیرمتنی ویژه و دلالت‌های قابل تأمل ایدئولوژیک داشته باشد، می‌توان سراغ مرور جدیدترین ساخته او یعنی «دزدی گرفتار» رفت.

صدای پای فاشیسم

فیلم اقتباس از رمانی به قلم چارلی هیوستن است که خود در نگارش فیلمنامه نیز همکاری داشته و آن‌طور که در خلاصه داستان رمان آمده، صرفاًاسکلت وقایع و پیرنگ آن بافیلم مشابه است و دلالت‌های پنهان فیلمنامه، ابتکار آرونوفسکی به نظر می‌رسد. بیابیند ابتدا وضعیت زمانه‌ای را که در آن به سر می‌بریم مرور کنیم؛ فیلم دقیقاً در روزهایی روی پرده سینماهای آمریکا بود که دونالد ترامپ و بنیامین نتانیاهو با وقاحت تمام در سازمان ملل سخنرانی کردند و سازمان ملل را به سخره گرفتند؛ دورانی که جهان بیش از هر زمانی در چند دهه اخیر، گرفتار نوعی خشم و عصبیت در رفتار قدرتهای بزرگ است. لیبرال دموکراسی از زمان فروپاشی شوروی به بعد تاکنون تا این حد در افول نبوده و قواعد و مقررات نوشته و نانوشته حقوق بین‌الملل به طرز شگفت‌انگیزی زیر پا گذاشته می‌شود؛ در حدی که بعضی کارشناسان، وضعیت امروز را با دوران بین جنگ‌های اول و دوم جهانی مقایسه می‌کنند؛ وضعی که در آنکه نظم سابق بازی استعمارگران در حال احتضار بود و صدای پای فاشیسم شنیده می‌شد.

می‌خواست بی‌طرف باشد ولی نگذاشتند

کنند. تمام اینها در حالی است که روح او هم از اتفاقاتی که برای همسایه خلافکارش افتاد خبر ندارد و کاملاً اتفاقی و از روی بدشانسی گیر این آدم‌های دیوانه و عصبانی می‌افتد که یکجا نامزدش را می‌کشند، جای دیگر در محل کارش حمام خون راه می‌اندازند و یک بار برای حرف کشیدن از او، بخیه پانسمان پولیش را با انبردست باز می‌کنند تا شکنجه شود. به عبارت دیگر، یک آدم معمولی و بی‌آزار که در فیلم اشاره می‌شود از قیافه‌اش پیداست که نمی‌تواند کسی را بکشد، کاملاً ناگهانی و یک‌دفعه وارد یک درامای عظیم و پرخطر می‌شود.

همیشگی وجود دارد و شخصیت اصلی را تهدید می‌کند. او در همان نخستین مواجهه با ۲ غریبه، چنان از آنها تنگ می‌خورد که کلیه‌اش پاره می‌شود و پزشکان مجبور می‌شوند آن را از بدنش خارج کنند. غافلگیری و غیرقابل پیش‌بینی بودن اتفاقات و مرگبار، شخصیت اصلی با بازی خوب آستین باتلر را بسیار پریشان و مستأصل می‌کند. او در هر لحظه مجبور است خودش را آماده یک موقعیت خطرناک جدید کند یا یک خبر گمانگیز را تهدیدآمیز تازه بشنود. خانه برای شخصیت اصلی تبدیل به جهنمی می‌شود که هر لحظه ممکن است مهاجمان به آنجا بیایند و او را شکنجه

مساله فلسطین و صهیونیسم موضع‌گیری نکرده است. از معدود اقدامات او در این راستا، تهیه‌کنندگی یک مستند درباره یک خانواده اسرائیلی در ایام پس از توفان الاقصی است که در امتداد تبلیغات صهیونیست‌ها علیه حماس بود و در جشنواره برلین جایزه گرفت. آرونوفسکی برخلاف یهوددانی مثل ناتالی پاورتمن، منتقد صریح صهیونیسم نبوده، ولی در طرفداری از صهیونیسم نیز چندان فعال نیست. برگردیم به فیلم «دزدی گرفتار» که اشاره شد دلالت‌هایی فراتر از داستان ساده و سرگرم‌کننده‌اش در طعنه به وضع کنونی جهان دارد. در این فیلم نوعی احساس ناامنی

تداعی ۲ سال آشوبناک

به عنوان مخاطب، شباهت وقایع فیلم با اتفاقات ۲ سال اخیر برآیم تداعی شد، مثل عملیات ناچوانمرانه پینجرها یا تجاوز نظامی به ایران وسط مذاکرات مسقط یا حمله سایبری به بانک سپه یا حمله به قطر یا ترور برق‌آسای نظامیان، دانشمندان و دولتمردان رسمی و اقدامات اینجینینی که به طرز شوکه‌کننده‌ای هر بار با غافلگیری محض و جنون ویرانگر و کوردلانه همراه بود. جالب آنکه یکی از تونیست‌ها و غافلگیری‌های بزرگ فیلم جایی است که پلیس خانم، که ظاهری موجه و جدی دارد، همدست با قاتلان و خلافکاران از آب درمی‌آید و حس و حالی مشابه با استنپک و دیگر ریاکاری‌های به ظاهر حقوقی اما در باطن جنایتکارانه دارد که این روزها بیش از هر زمانی تجربه کرده‌ایم. ۲ نفر از بدمن‌های خشن فیلم که از قضا به قساوت قلب و دیوانگی شهرواند، روس هستند که شخصیت اصلی به اشتباه ابتدا گمان می‌کند آنها اوکراینی‌اند اما بعداً متوجه می‌شود روس هستند تا جایی که در خلاصه داستان رمان آمده، اشاره‌ای به ملیت خلافکاران نشده اما

ادامه از صفحه اول

...راهربردها و سیاست‌های غلطی است که در سال‌های گذشته در قالب تصمیمات دولت اجرایی شده و شرایط فعلی تا حدود زیادی محصول آن تصمیمات است. متأسفانه دیده شده

عناصر دولت اسبق، به جای پذیرش اشتباهات خود بویژه در فقره

برجام و اتخاذ سیاست سکوت در شرایط فعلی، بعضاً در بزنگاه‌های



انتقاد در مسیر همبستگی ملی

در این بین باید به این نکته مهم نیز التفات داشت که در مواردی انتقاد، مذموم و به اختلاف‌افکنی تعبیر می‌شود که در آن ردپای تسویه‌حساب‌های شخصی و جناحی و مهم‌تر از آن، چندپارگی و شکاف اجتماعی د دیده شود. بویژه باید اهتمام جدی داشت از ورود به اختلافات و رقابت‌های انتخاباتی اجتناب شود.

به هر حال، تفکیک موضوع نقد و همبستگی ملی، از ظرایفی است که دقت نظر در آن، نه‌تنها ممدوح است، بلکه نشانگر بلوغ سیاسی افراد، رسانه‌ها و جناح‌ها نیز به حساب خواهد آمد.

است این رفتار مخل انسجام و همبستگی ملی و عاملی برای انشقاق و اختلاف‌افکنی داخلی است. به همین خاطر باید‌هم برای جلوگیری از تحریف واقعیت‌ها و عبرت‌های تاریخی و هم در راستای حراست از همبستگی و اتحاد ملی، محکم در مقابل این قبیل رفتارها ایستاد و عناصر تفرقه‌افکن را نیز رسوا کرد.

موضوعات مورد اشاره، مواردی است که هیچ تزامنی با مقوله

الزام حفظ و تقویت همبستگی و انسجام ملی ندارد و اتفاقاً در

راستای این مهم انجام می‌شود.